

ساختار طبقات اجتماعی کردهای مکریان و نظام ارزشی آنها

شورش اک^۱

امیر ملکی^۲

محمدجواد زاهدی مازندرانی^۳

یعقوب احمدی^۴

چکیده

صرف نظر از اینکه موضوع ضرورت مساوات و از میان رفتن طبقات تا چه اندازه آرمانی است، قشربندی در جامعه یک واقعیت اجتماعی است و جوامع بشری دارای سلسله مراتب، طبقات و پایگاههای اجتماعی متفاوت اند. عضویت در یک طبقه اجتماعی و نیز داشتن منزلتی خاص، تعیین کننده ارزش ها، اهداف زندگی و سبک زندگی های کلی نسبت به موضوعات انسانی و اجتماعی است. نوشتار حاضر با هدف تحلیل جامعه شناختی ساختار طبقات جامعه کردهای مکریان و بررسی تغییرات آن در طول نیم قرن اخیر (با تکیه بر ساختار طبقاتی شهر مهاباد) و نیز بررسی نظام ارزشی آنها صورت گرفته است. روش تحقیق، روش ترکیبی و مشتمل بر دو رهیافت کیفی (تحلیل تاریخی جهت بررسی ساختار طبقاتی جامعه) و کمی (سنجش و بررسی نظام ارزشی طبقات) است. جامعه آماری شامل کلیه افراد ساکن در منطقه مکریان است. در بخش کیفی تحقیق کل جامعه مورد مطالعه و در بخش کمی تحقیق بر اساس نمونه گیری خوشه ای، شهر مهاباد به عنوان نمونه انتخاب و حجم نمونه مقتضی با توجه به حداکثر میزان پراکندگی و خطای ۵ درصد ۳۵۶ نفر تعیین شد. در بخش تحلیل تاریخی، بر اساس اسناد و مدارک معتبر، ساختار طبقاتی جامعه از گذشته تا حال مورد بررسی قرار گرفته و در بخش کمی تحقیق، داده ها به وسیله مقیاس استاندارد ارزشهای فرهنگی شوارتز سنجش و با استفاده از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مورد تحلیل واقع شده است.

بر اساس نتایج بخش کیفی تحقیق، جامعه مورد مطالعه شامل چهار نوع قشر اجتماعی: مردم عادی (کرمانج)، خوانین، شهری اصیل (ساباغی) و سادات می باشد که دارای ساختار طبقاتی نسبتا بسته بوده و بیشتر بر معیارهای انتسابی و اصل و نسب استوار است و در کل خصوصیات قشربندی در جوامع کمتر توسعه یافته را داراست. یافته های مربوط به بخش کمی تحقیق حاکی از وجود تفاوت معنی دار در بیشتر ابعاد مقیاس فرهنگی شوارتز (برانگیختگی، لذت گرایی، موفقیت، قدرت گرایی، وجهه، امنیت گرایی، همنوایی، سنت گرایی، خیرخواهی و جهان گرایی) و عدم تفاوت معنی دار در بعد استقلال در بین طبقات چهارگانه می باشد. نتایج تحقیق با بسیاری از نظریات مطرح شده در تحقیق از جمله نظریه طبقاتی مارکس، نظریه منزلت اجتماعی وبر و نظریات پیر بوردیو، همچنین با نتایج پژوهشهای قبلی از جمله تحقیقات لهسایی زاده، قاسمی و جواهری همخوانی دارد.

واژگان کلیدی

زندگی مطلوب، طبقات اجتماعی، نظام ارزشی، مکریان، جامعه کرد و ...

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور و دانشجوی دکتری رشته جامعه شناسی دانشگاه پیام نور
Email: tawar1363@yahoo.com (نویسنده مسئول)

Email: malekipnu@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

Email: m_zahedi@pnu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

Email: yahmady@pnu.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴

طرح مسأله

افراد جامعه در مناسبات متقابل خود با دیگران، آنها را در موقعیت‌های بالا و پایین طبقه بندی می‌کنند. بدین خاطر، جامعه دارای بخش‌های مختلف و متشکل از قشرهای گوناگون است که با نظام سلسله مراتبی موجود جامعه مطابقت دارد. بخش ممتاز و قدرتمند جامعه، بالاترین قشر را اشغال می‌کند و معمولاً بصورت تافته جدا بافته با آنها رفتار می‌شود. صرف نظر از معیارهای تخصیص مواضع در سطوح گوناگون ساختار اجتماعی و جدا از اینکه ضرورت مساوات و از بین رفتن طبقات اجتماعی تا چه حد آرمانی است، قشربندی در جامعه یک واقعیت اجتماعی است و جوامع بشری دارای سلسله مراتب، طبقات و پایگاه‌های اجتماعی اند. عضویت در یک طبقه اجتماعی، تعیین کننده دو عامل مهم و اثر گذار در زندگی افراد یعنی «شیوه زندگی» و «فرصت‌های زندگی» است. شیوه زندگی را نحوه تفکر درباره جهان اجتماعی می‌دانند که شامل ارزش‌ها، اهداف زندگی و سوگیری‌های کلی نسبت به همه امور است. به سخن دیگر، سبک زندگی و نظام ارزشی افراد تا حدود زیادی به تبع وابستگی طبقاتی آنها مشخص می‌شود.

نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منافع با ارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۶) و به طور کلی تر به تفاوت‌هایی میان افراد اشاره می‌کند که بر نحوه زندگی آنها، خاصه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آنها برخوردارند، تاثیر دارد (گرب، ۱۳۷۹: ۱۰) همچنین در منابع جدید نابرابری به وجود تفاوت‌های دایمی و منظم در قدرت خرید کالاها، خدمات و امتیازات میان گروه‌های معینی از مردم که شاخص آن نابرابری در پاداش به کار است، تعریف شده است (ملک، ۱۳۸۲: ۱۰۳). در جوامع ما قبل سرمایه داری، قشر بندی اجتماعی عمدتاً پیامد نابرابری‌های ذاتی به شمار می‌آمد و امری طبیعی یا تقدیر الهی محسوب می‌شد (Crompton, 1993: 93) به عنوان مثال ارسطو در کتاب «سیاست»، بردگی را امری طبیعی و سودمند می‌داند و می‌گوید که برخی از مردم برای عبودیت و برخی دیگر برای حکومت معین شده‌اند (بارنز و بکر، ۱۳۷۰: ۲۳۵). قشر بندی اجتماعی نظامی است که افراد را بر حسب میزان برخورداری‌شان از کیفیت‌های مطلوب رتبه بندی می‌کند و این کیفیت‌های خوشایند را فرهنگ هر جامعه‌ای مشخص می‌کند (کوئن، ۱۳۸۸: ۱۷۸). در حقیقت قشربندی اجتماعی رده بندی گروه‌ها و افراد بر حسب سهم آنان از دستاوردهای مطلوب و حایز ارزش اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۷۳۱). گرب قشربندی اجتماعی را پیوستار یا نردبانی متشکل از مقوله‌هایی مجزا دانسته است (گرب، ۱۳۷۹: ۱۲۹). تامین هم قشربندی اجتماعی را توزیع افراد هر گروه اجتماعی یا جامعه بر روی یک «مقیاس موقعیت» تعریف کرده است (تامین، ۱۳۸۵: ۲۱). در مقام مقایسه باید اشاره کرد که نابرابری اجتماعی مجموعه‌ای از تفاوت‌های میان افراد و گروه‌ها از نظر میزان دسترسی به

منافع مادی و نمادین است، حال آنکه قشربندی اجتماعی نظامی منسجم و رتبه بندی شده مبتنی بر نابرابری های اجتماعی است. اصطلاح نظام قشربندی شده به پیچیدگی نهادهای اجتماعی اشاره می کند که نابرابری های قابل مشاهده این دسته بندی را تولید می کند. (Grusky, 2001: 443-452)

قشربندی اجتماعی از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است (تغییر افقی) و ساختار آن در طول زمان و تحت تاثیر عوامل و تغییرات مختلف اجتماعی نیز تغییر خواهد کرد (تغییر عمودی). این تغییرات ممکن است در جامعه ای سریع و در جامعه دیگر کند باشد. جامعه ایران نیز طی پنجاه سال اخیر سریعاً و از جهات مختلف روبه تغییر بوده است. این تغییرات تحت عوامل مختلف از جمله انقلاب سفید، صنعتی شدن جامعه، ارتباطات شهرنشینی، گسترش آموزش و پرورش و ... صورت گرفته است. عوامل مذکور علاوه بر اینکه پیامدهایی در زمینه تغییر در قشربندی اجتماعی، نظام رفتاری و ارزشی کل جامعه ایران داشت، در نقاط مختلف ایران مخصوصاً کردستان باعث تغییرات فوق العاده اجتماعی و اقتصادی گشت.

جامعه کردستان ایران به لحاظ جغرافیایی دارای موقعیت ویژه مرزی است، کردها از لحاظ مذهبی عموماً سنی مذهب بوده و ویژگی های خاص قومی و مذهبی آنها در کنار سایر ویژگیهای اجتماعی از جمله عدم توسعه یافتگی اقتصادی و عدم وجود زیر ساخت ها و امکانات اقتصادی و صنعتی و نیز فرصت های شغلی در مقایسه با سایر مناطق کشور باعث شده است که این منطقه خاص از ایران از لحاظ اجتماعی یک جامعه نسبتاً بسته باقی مانده و به نوعی خصوصیات یک جامعه مهاجر پذیر یا مهاجر فرصت را نداشته باشد. مجموعه این عوامل باعث شده است که به رغم بروز و ظهور تغییرات عمده اجتماعی در ایران، تاثیرات این عوامل در جامعه کردنشین با جامعه کلی ایران تفاوت هایی داشته باشد از جمله اینکه نظام قشر بندی در جامعه کردستان در طول دهه های اخیر خصوصیات منحصر به فرد خود را تا حدود زیادی حفظ کرده است. لذا تحقیق حاضر به مطالعه تحلیلی و تاریخی ساختار نظام طبقات در منطقه مکریان کردستان و نظام ارزشی آنها با تاکید بر مهاباد پرداخته است.

متفکران اجتماعی هر یک از دیدگاه خود به موضوع قشربندی و نابرابری اجتماعی در جوامع انسانی پرداخته اند و در یک تقسیم بندی کلی همه نظریات در این زمینه را می توان در سه دسته جای داد: کارکردگرایان ساختاری که نابرابری و قشربندی در جامعه را ضروری، گریز ناپذیر و دارای کار کرد می دانند و برآنند که جوامع نه به چند طبقه بزرگ بلکه به قشرهای کوچک حرفه ای گوناگون تقسیم می شوند. این قشرها به واسطه تقسیم کار به هم وابسته اند ولی بر پایه معیارهای مختلفی همچون منزلت، پایگاه اجتماعی و درآمد از هم منفک می شوند (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۸). از مهم ترین نظریه پردازان این دیدگاه می توان به دیویس و مور اشاره

کرد. «نابرابری اجتماعی تمهیدی است که ناخودآگاه شکل گرفته و جامعه با آن تضمین می کند که مهم ترین جایگاهها به طور مستمر به وسیله با صلاحیت ترین افراد پر شود.» (Davis & Moor, 1945: 48) تضادگرایان بر عکس کارکردگراها بر تسلط گروهها و افراد بر گروههای دیگر جامعه و استثمار آنها توجه دارند و از آنجایی که منافع گروهها با هم متفاوت است، ستیز بین گروه های متخاصم نیز اجتناب ناپذیر است. (ربانی و انصاری، ۱۳۸۵: ۳۴) این دسته از نظریه پردازان نام کارل مارکس را بر پیشانی خود دارد و سپس برخی متفکران انقلابی همچون لنین، کائوتسکی، تروتسکی و... و افرادی چون گرامشی، آلتوسر و پولانزاس به تفسیر و بهنگام کردن دیدگاه های او پرداختند. دیدگاه سومی هم به نام نظریات تلفیقی مطرح است که به عقیده گرهارد لنسکی نتیجه کاربرد روش علمی نوین در مطالعه مساله کهنه نابرابری های اجتماعی است. به نظر ماکس وبر جهت تحلیل طبقه، باید دو بعد مهم دیگر افزوده شود: منزلت و حزب. منزلت به فخر وجهه اجتماعی مربوط می شود و حزب به قدرت اجتماعی یا قانونی مربوط می شود.

مبانی نظری

واژه «ارزش» در معانی، قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت و شایستگی آمده است. همچنین در فرهنگ پیشرفته آکسفورد به عنوان باورها درباره آنچه که درست و غلط بوده و آنچه که در زندگی مهم است تعریف شده است (Hornby, 2005: 1435) و در اصطلاح، عقیده یا باور نسبتا پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را، که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه یا حالت دیگر که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می دهد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۱۱) محققان در حوزه های مختلف به مفهوم ارزش توجه کرده اند و در علوم اجتماعی نیز معانی و دسته بندی های مختلفی یافته است.

مفهوم و اندیشه «نظام ارزشی» زاینده این تصور است که بررسی ارزش خاص یا فهم آن به دور از دیگر ارزشها، ممکن نیست. لذا مراد از «نظام ارزشی (نظام ارزشها) مجموعه ارزشهای مرتبط به هم می باشند که رفتار و کارهای فرد را نظم می بخشد و غالباً بدون آگاهی فرد شکل می گیرد». به بیان دیگر نظام ارزشی عبارت از ترتیب هرمی مجموعه ای از ارزشهایی است که فرد یا افراد جامعه بدان پایبند هستند و بر رفتار فرد یا افراد، بدون آگاهی آنان، حاکم است. (خلیفه، ۱۳۷۸: ۷۵)

ارزش ها از نظر اهمیتی که دارند، یکسان نیستند و در مجموعه ای جای دارند که به آن «نظام ارزشی»^۱ گفته می شود. این نظام به عنوان معیاری برای قضاوت درباره خود و دیگران،

انتخاب های فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. اولویت هایی که افراد به ارزش ها می دهند، یکسان نیست. این اولویت ها معمولاً متأثر از خلق و خو، شخصیت، تجربه های جامعه پذیری، تجربه های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است. در کل، ارزش ها در شمار درونی ترین لایه های شخصیت افراد بوده و شناخت دقیق هر فرد در گرو شناخت این ارزش ها و گرایش های ارزشی و هویتی اوست. هریک از ارزش ها را می توان عقاید پایدار فرد نسبت به شیوه خاص از رفتار یا هدف نهایی زندگی دانست که از نظر فردی یا اجتماعی در مقابل شیوه دیگری از رفتار یا هدف دیگری از هستی قابل ترجیح است. (لطف آبادی، ۱۳۸۵: ۱۸)

نظریه پردازان مختلفی به بررسی ارزش و نظام ارزشی جامعه پرداخته اند. شوارتز در نظریه خویش، ارزش ها را به دو بخش ارزشهای جمعی و ارزشهای فردی تقسیم می کند. ارزش های جمعی، ابعاد محافظه کاری و جهانشمولی (توجه به ماورای خود) و ارزش های فردی آمادگی برای تغییر و توجه به خود (پیشبرد اهداف شخصی) را شامل می شود. ابعاد ارزشی تشکیل دهنده محافظه کاری و جهانشمولی که بیانگر ساختار سنتی اند، عبارتند از: امنیت، همناوایی، سنت، خیرخواهی و جهان گرایی، ابعاد ارزشی تشکیل دهنده تقویت خود (خود افزایی) و تمایل به تغییر نیز که بیانگر ارزش های مدرن اند، شامل قدرت، موفقیت، لذت گرایی، برانگیختگی و خود فرمانی (استقلال) هستند. (Schwartz, 1992: 40) «روکیچ»، ارزش ها را به دو دسته ارزش های غایی و ابزاری تقسیم می کند. ارزشهای غایی به ارزشهای غایی فردی (مانند رستگاری) و ارزشهای غایی اجتماعی (مانند مباحث جهانی) و ارزشهای ابزاری به ارزشهایی که بر بعد فردی تاکید دارند (مانند منطقی بودن) و ارزشهایی که بر بعد اخلاقی تاکید دارند (مانند امانت داری) تقسیم می شوند. «آلپورت» شش نظام ارزشی را تعیین می کند. به عقیده وی تمام انسان های دنیا از این شش نظام استفاده می کنند و هیچ انسانی از این شش نظام خارج نیست و غیر از این نظام های ارزشی کلی و اساسی، نظام ارزش دیگری وجود ندارد. این نظام ها عبارتند از: ارزش های علم و دانش، ارزش های سیاسی، ارزش های زیبایی شناختی (هنری)، ارزش های اجتماعی، ارزش های اقتصادی و ارزش های مذهبی.

تغییر ارزش ها همیشه یک فرایند است و حرکت این فرآیند گاه تند و گاه کند است. یکی از تئوری های مهم در زمینه دگرگونی ارزشها، تئوری دگرگونی ارزشی اینگلهارت می باشد. این نظریه پیش بینی می کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابجایی بلند مدت از ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی منجر خواهد شد که بر اساس آن اولویت های ارزشی در جوامع صنعتی از توجهات مادی گرایانه درباره اقتصاد و امنیت فیزیکی به تاکید بیشتر بر آزادی خود اظهاری و کیفیت زندگی با ارزش های فرامادی گرایانه تغییر جهت یافته است. وی فرهنگ را نظامی از نگرشها، ارزش ها و دانشی می داند که به طرز گسترده در میان مردم مشترک ست

و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ فرهنگ فرا گرفته می‌شود و ممکن است از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر کند. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۹) به نظر اینگلهارت، ارزش‌های فرامادی بازتاب وجود امنیت در طی شکل‌گیری شخصیت فرد هستند و کامیابی اقتصادی افزایش یافته منجر به کاهش ارزش‌های ماتریالیستی از نسلی به نسل دیگر می‌شود. بر این مبنا اینگلهارت به تاثیر قشربندی اجتماعی توجه می‌کند. از این منظر خانواده‌های ثروتمند به نظر می‌رسد که جوانان ماتریالیست کمتری نسبت به خانواده‌های فقیر پرورش دهند. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است.

یکی دیگر از متفکران معاصر که به بررسی رابطه بین طبقه اجتماعی افراد و گرایش‌ها و نیز عمل اجتماعی فرد می‌پردازد «پیر بوردیو» است. به نظر وی انسانها همواره به لحاظ ساختاری در فضای اجتماعی چند بعدی جای گرفته‌اند که عمدتاً بر مبنای موقعیت طبقه اجتماعی شان تعریف شده است. طبقه اجتماعی به دسترسی فرد به منابع گوناگون، پیوندهای اجتماعی و فرصت‌های اجتماعی مرتبط با شغل، سن، جنسیت، تحصیلات و جز آن اشاره دارد و نه صرفاً تعریفی کاملاً مارکسیستی از آن. بدین منظور بوردیو از اصطلاح کلیدی «هیبیتاس» استفاده می‌کند. هیبیتاس به طرح‌های تفسیری و عمدتاً ناخودآگاهانه‌ای اشاره دارد که نحوه کار جهان و نحوه ارزیابی امور را به ما نشان می‌دهد و دستور العمل‌هایی برای کنش‌ارایه می‌کند. وی معتقد است که افراد طی اعمالشان توسط این چارچوب‌های کلی تفسیری هدایت می‌شوند. (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸) مرتبط با همین مباحث، بوردیو از مفهوم «ذایقه» صحبت می‌کند. ذایقه یک عملکرد است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۱). هدف عمده بوردیو در کنار هم قرار دادن طبقه و تحلیل فرهنگی است. وی در کتاب «تمایز»، گزارشی از تفاوت سبک‌های زندگی از طبقات مختلف اجتماعی ارائه می‌کند. این اشتغالات فرهنگی به شکلی اجتماعی ساختار پیدا کرده و بازتولید طبقه اجتماعی‌اند. (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۰۱-۱۹۹)

موریس هالبواکس، قضاوت‌های ارزشی و تصورات جمعی را بنیانی برای نابرابری قلمداد می‌کند. به اعتقاد هالبواکس، طبقات اجتماعی بر مبنای «آگاهی طبقاتی» بوجود می‌آیند و طبقات در پرتو حافظه طبقات جمعی خاص خود باقی می‌مانند. از دید وی، تجلی اساسی آگاهی طبقاتی «روانشناسی نیازهای یک طبقه» است. دومین نکته اساسی در زمینه آگاهی یافتن طبقات عبارت است از اینکه طبقه بداند که در چه سطحی از جامعه قرار دارد و این طبقه در جامعه نسبت به چه چیز، چه حقوق و چه امتیازاتی اندازه‌گیری می‌شود. نکته مهم در نظریات هالبواکس این است که او طبقات سیاسی، حقوقی و اقتصادی را از طبقات اجتماعی تفکیک نموده و می‌گوید که در بین آنها، فقط طبقات اجتماعی دارای سلسله مراتب هستند و بنیان

سلسله مراتب طبقات اجتماعی نیز بر «تصورات جمعی» و «قضاوت های ارزشی» قرار دارد. در ضمن هرچه بهره مندی اعضا یک طبقه از «حیات اجتماعی» بیشتر باشد طبقه دارای سطح اجتماعی برتر خواهد بود. هالبواکس اصل حقیقی جدایی طبقات را بر مبنای حرفه یا ثروت و نوع اشتغال و درآمد نمی داند و تأکید اساسی او بر شیوه ارضاء کامل نیاز های گوناگون افراد و سلسله مراتب نیازها در داخل هر یک از طبقات است و عامل تعیین کننده طبقات را در همین زمینه جستجو می کند. بررسی توزیع مخارج و نوع عادات مصرفی از جمله معیارهای عمده مطالعات در نظریات هالبواکس می باشد البته علاوه بر سطح نیازها از عوامل دیگری مانند «آگاهی طبقاتی»، «عقیده جمعی مبتنی بر سلسله مراتب گروه ها»، «درجه مشارکت در آرمان مشترک» نیز جز معیارهای طبقه بندی اجتماعی هالبواکس قرار دارند. اساسی ترین عامل تعیین کننده ی طبقه ها، نیازهای آنهاست، سطح نیاز طبقه ها نیز یکسان نیست. گرایش های مصرفی، میزان نیاز های مادی را نشان می دهد. نیاز های غیر مادی در نیازهای مادی منعکس است. فرهنگ هر طبقه ناشی از همین گرایش هاست. نیازها پدیده های اجتماعی و جدا از تمایلات فردی هستند. هرچه تمایلات جسمانی بیشتر باشد، تمایلات روحی نیز افزایش می یابد. از دیگر نکات اساسی هالبواکس فعالیت یک طبقه بر روی ماده است. ماده، دو معنی دارد: اول ماده خام طبیعی که طبقه های پایین روی آن کار می کنند. معنی دوم ماده عبارت از انسان هایی است که طبقه های بالا آنها را هدایت یا فرماندهی کرده و بر آنها تأثیر می گذارند. طبقه های پایین مدت زیادی با ماده خام کار می کنند در نتیجه، زوایای پیچیده ی زندگی اجتماعی را در نمی یابند. گفتنی است که طبقه های بالا چنین نیستند. طبقه متوسط (مانند پیشه وران، کارکنان دفتری، کارمندان، تکنیسین ها و استادکاران) هم با ماده ی خام سروکار دارند و هم با روابط انسانی (هالبواکس، ۱۳۶۹: ۲۰۵-۲۰۲).

پیشینه تجربی

فاطمه جواهری در مقاله «بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر گرایش و رفتار آنان»، نتیجه می گیرد که عضویت در پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، متوسط یا پایین در اغلب موارد تاثیر معناداری در تفاوت گرایشها و عملکرد کنشگران اجتماعی دارد و نظام قشربندی جامعه ممکن است زمینه ساز شکل گیری خرده فرهنگ ها و هویت های اجتماعی متفاوت باشد. (جواهری، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۸۳)

وحید قاسمی و همکارانش در مقاله «شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان» نشان می دهند که یکی از عوامل بوجود آورنده یا تشدید کننده تضاد بین نظام سنتی جامعه و ارزش های نوگرایانه، تضاد موجود در نحوه نگرش، بینش و نظام ارزشی افراد متعلق به طبقات مختلف اجتماعی می باشد. (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۸-۴۳)

امیر ملکی در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با گرایشهای ارزشی نوجوانان»، رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده با گرایش های ارزشی نوجوانان را به روش پیمایش و با سنجش گرایش های ارزشی آلپورت و اینگلهارت مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق حاکی از این است که: پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده با ارزشهای زیباشناختی و اقتصادی رابطه مستقیم و با ارزش های مذهبی رابطه معکوس دارد. ارزشهای سیاسی نوجوانان برخاسته از پایگاههای اجتماعی اقتصادی متفاوت، مشابه است. در مورد ارزشهای علمی: بین نوجوانان برخاسته از پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط و پایین تفاوت معنی دار وجود ندارد، اما در مقایسه پایگاه اقتصادی بالا با متوسط و پایین با بالا، تفاوت معنی دار وجود دارد. در مورد ارزشهای اجتماعی: بین نوجوانان برخاسته از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا و متوسط تفاوت معنی دار وجود ندارد، اما در مقایسه نوجوانان برخاسته از پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط با پایین و بالا تفاوت معنی دار وجود دارد. اولویت های ارزشی همه نوجوانان بیشتر مادی می باشد و تفاوت معنی داری از این جهت بین نوجوانان طبقات مختلف وجود ندارد. (ملکی، ۱۳۷۵)

لهسایی زده و همکارانش در کار تحقیقی «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر پابندی به ارزش های دینی»، دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز را مطالعه نموده و به رابطه معنادار برخی عوامل مانند شغل پدر، تحصیلات والدین، درآمد پدر، وسایل رفاهی و ... با نظام ارزشی دینی پی برده و پابندی دانش آموزان به ارزش های دینی را متوسط رو به بالا گزارش کرده اند. (لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۶-۳۳)

وحید قاسمی و رضا صمیم در کار پژوهشی خود با عنوان «مطالعه ای پیرامون رابطه قشربندی اجتماعی و مصرف فرهنگی (مصرف موسیقایی) در شهر تهران»، به این نتیجه رسیده اند که میان طبقه و پایگاه و میزان مصرف موسیقایی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد و هر چه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد، گرایش شان به مصرف انواع موسیقی متعلق به فرهنگ نخبه بیشتر و گرایش به مصرف انواع موسیقی متعلق به فرهنگ توده کمترست. (قاسمی و صمیم، ۱۳۸۷: ۸۰-۱۰۱)

مرضیه دهقانی و همکارانش در مقاله خود با عنوان «نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی و فردی دانش آموزان بر نگرش ارزشی آنها»، نشان داده اند که عوامل اجتماعی و فرهنگی مخصوصا عوامل مبتنی بر دین نقش نسبتا مهمی در شکل گیری نگرش ارزشی دانش آموزان دارد و اینکه مشارکت دانشجویان در فعالیت های مختلف اجتماعی و دینی می تواند نگرش مثبت آنها را توسعه دهد. (Dehghani & etall, 2011 : 3079-3083)

ویلیام کیلورن و همکارانش در تحقیقی با عنوان «بررسی میان فرهنگی ارتباط بین

ارزشهای مادی و فردی»، سه کشور کانادا، آلمان و آمریکا را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده اند که مقیاس ارزش های فردی و مادی گرایی و همچنین مدل کلی پیشنهاد شده برای هر سه کشور ثابت و یکسان است. (Kilbourne & etall, 2005: 624-641).

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، نوعی روش تحقیق ترکیبی و مشتمل بر هر دو رهیافت کیفی و کمی است. برای بررسی ساختار طبقاتی جامعه از روش تاریخی - تطبیقی استفاده شده است. در قسمت کمی تحقیق نیز با استفاده از پیمایش، نظام ارزش های اجتماعی طبقات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه افراد ساکن در منطقه مکریان (شامل شهرستان های جنوب دریاچه ارومیه اعم مهاباد، بوکان، نقده، اشنویه، پیرانشهر، میاندوآب، سردشت، تکاب، شاهین دژ و بخشی از شهرستان سقز) می باشد. در بخش اول تحقیق، با توجه به روش تاریخی و اسنادی، کل جامعه مورد مطالعه به عنوان نمونه انتخاب می شود. در بخش دوم و کمی تحقیق، شهر مهاباد - به دلیل مرکزیت جغرافیایی و فرهنگی و اینکه مهاباد را می توان یک مکریان کوچک نامید- به عنوان خوشه انتخابی، مطالعه شده است. با توجه به اینکه واحد تحلیل، قشر اجتماعی و واحد مشاهده افراد می باشند، لذا در مرحله بعد، از افراد بالای ۲۰ سال ساکن در شهرستان مهاباد، حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران با دقت $d=0/05$ و حداکثر واریانس $pq=0/25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین شده است که در مرحله عمل و پس از گردآوری پرسشنامه ها به دلیل زایل شدن تعدادی از پرسشنامه ها، تعداد ۳۵۶ پرسشنامه سالم گردآوری شد. شیوه نمونه گیری در این مرحله نیز طبقه ای می باشد. در بخش کیفی تحقیق که مربوط به مرور تاریخی قشرهای مختلف اجتماعی مکریان است، جهت گردآوری اطلاعات از اسناد و منابع مرتبط استفاده شده است. در قسمت کمی تحقیق نیز جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه ۵۹ سؤالی استاندارد ابعاد ارزش های اجتماعی شوارتز استفاده شده است که میزان پایایی سازه های متعدد پژوهش بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱): ضریب آلفای کرونباخ ابعاد مختلف ارزش های اجتماعی شوارتز

ابعاد ارزشی	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
استقلال	۶	۰/۷۰۹
برانگیختگی	۳	۰/۷۶۹
لذت گرایی	۳	۰/۷۹۳
موفقیت	۳	۰/۷۸۴
قدرت گرایی	۶	۰/۸۲۶
وجهه	۳	۰/۷۲۴
امنیت گرایی	۶	۰/۷۵۵
همنوایی	۶	۰/۷۳۶
سنت گرایی	۴	۰/۸۱۵
خیرخواهی	۶	۰/۷۱۳
جهان گرایی	۹	۰/۷۵۴

تعریف و سنجش متغیرها

بر اساس تئوری شوارتز، ارزش ها همچون اهداف فراموقعیتی با درجات متفاوتی از اهمیت تعریف شده اند که به عنوان اصولی راهنما در خدمت فرد یا دیگر واقعیت های اجتماعی است. شوارتز برخلاف نظریه های قبلی که ارزش ها را به صورت سلسله مراتبی در نظر می گرفتند و روابط میان ارزش ها را نادیده می گرفتند، از ساختار و روابط میان اولویت های ارزشی و نیز از روابط تضادی و توافقی میان اولویت ها سخن گفته و صرفا به دسته بندی ارزشی نپرداخته است. وی معتقد است تعقیب همزمان آن دسته از گونه های ارزشی که در دو بعد اساسی متقابل قرار گرفته اند، باعث ظهور تضادهای اجتماعی و روان شناختی می شود. دو بعد «محافظه کاری» و «توجه به ماورای خود» ساختار ارزشی سنتی و در مقابل دو بعد «تمایل به تغییرات» و «پیشبرد اهداف شخصی»، ساختار ارزشی مدرن را تشکیل می دهند.

ابزار اندازه گیری در این بررسی، پرسشنامه کتبی سنجش ابعاد ارزش های فرهنگی شوارتز (۵۷ گویه) است.

جدول شماره (۲): گویه های سنجش شده مربوط به ابعاد مختلف ارزش های اجتماعی شوارتز

ابعاد ارزشی	گویه ها
استقلال	فکر خلاق، ایده ابتکاری، آگاهی، استقلال در تصمیم و عمل، آزادی انتخاب
برانگیختگی	خطرپذیری، انجام کارهای متفاوت و تجربیات جدید
لذت گرایی	گذران اوقات خوش و استفاده از هر فرصتی برای لذایذ زندگی
موفقیت	جاه طلبی، توفیق روزافزون و تحسین اطرافیان
قدرت گرایی	قدرت اجتماعی، مالکیت پول، ثروت، اشیای گران قیمت، اقتدار، امر و نهی دیگران
وجهه	نیکنامی، عدم تحقیر و شرمندگی
امنیت گرایی	سلامت، امنیت شخصی، پرهیز از مخاطرات، ثبات و نظم اجتماعی، امنیت ملی، دفاع دولت از شهروندان
همنوایی	رعایت قوانین و مقررات، اطاعت، احترام، خوشحال کردن و نرنجاندن دیگران
سنت گرایی	حفظ ارزش ها و باورها، پیروی از سنن سنتی و مذهبی، احترام به رسوم
خیرخواهی	مورد اعتماد بودن، تکیه گاه بودن، مراقبت از نزدیکان، کمک به دوستان، مسوول بودن، یاری دهنده
جهان گرایی	وحدت با طبیعت، محافظت از محیط زیست، برخورد محترمانه، پذیرش مخالفین، مدارا

یافته های تحقیق

یافته های پژوهش در دو قسمت ارائه شده است. در قسمت اول، نتایج تحلیل تاریخی مربوط به قشرهای مختلف اجتماعی مکریان آورده شده است و در قسمت دوم، ابعاد مختلف ارزش های اجتماعی شوارتز در بین گروه ها و قشرهای مختلف اجتماعی، مورد مقایسه کمی قرار گرفته است.

الف) تحلیل تاریخی قشرهای مختلف اجتماعی مکریان

«مکریان»، نام ولایتی تاریخی است که پیش از قانون جدید تقسیمات کشوری، به منطقه ای در شمال غربی ایران گفته میشد که بخش اعظم این منطقه جزو استان آذربایجان غربی و قسمت کوچکی نیز در استان کردستان امروزی است. مکریان، میرنشین (امارت) ایل های کرد مکری در سده ۹ تا ۱۳ هجری بوده است که در شمال غربی ایران و در جنوب دریاچه ارومیه قرار دارد. مکریان شهرهای جنوب دریاچه ارومیه؛ مهاباد، اشنویه، بوکان، پیرانشهر، سردشت، شاهیندر، نکاب، میاندوآب، نقده و بخش کوچکی از شهرستان سقز در استان کردستان

را در بر میگیرد. بر اساس نقشه موکریان که از سوی انستیتوی کرد در استکهلم سوئد ارائه شده است، مساحت مکریان ۱۷۹۴۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن بر اساس آمار رسمی ایران ۱۲۴۰۲۱۹ نفر است. (خضری، ۱۳۸۸: ۶-۵) از ویژگیهای خاص و فعلی کردهای مکری میتوان به نوعی خودبرتر بینی آنها نسبت به سایر کردهای ایرانی (به لحاظ ویژگیهای ملی گرایی افراطی، ادبیات نوشتاری، حتی نوع لهجه گفتاری و سبک پوشش لباس و ...) اشاره کرد و همین امر باعث شده است که ویژگیهای منحصر به فرد جامعه کرد، با شدت و حجم بیشتری در بین کردهای مکریان خود را نمایان سازد. شهرستان «مهاباد» را هم بدلیل مرکزیت جغرافیایی و هم به علت ویژگی های فرهنگی خاص خود که به نوعی یک مکریان کوچک است، می توان نمونه تمام و کمال منطقه مکریان دانست. این شهر نام ساوجبلاغ مکری (یا سابلاغ مکری) را تا سال ۱۳۱۵ شمسی با خود داشت تا اینکه در این سال، در جلسه فرهنگستان نام این شهر همچون بسیاری از جاهایی که نام عربی یا مغولی داشتند، به پیشنهاد مرحوم رشید یاسمی که استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان بود به «مهاباد» تغییر پیدا کرد. (صمدی، ۱۳۷۳: ۹۳) از لحاظ وسعت شهرستان مهاباد با ۲۵۹۲ کیلومتر مربع، چهارمین شهر بزرگ استان آذربایجان غربی است. بر اساس آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان مهاباد ۲۳۶۸۴۹ نفر بوده است. مهاباد شهری کردنشین است که ساکنان آن مسلمان و شافعی مذهب می باشند. فاصله آن تا مرکز استان ۱۲۰ کیلومتر و تا تهران ۸۳۵ کیلومتر است. مهاباد در جنوب استان و در عرض جغرافیایی ۴۶° و ۳۶° شمالی و طول جغرافیایی ۴۳° و ۴۵° شرقی قرار دارد. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۳۸۵ متر می باشد.

در بحث طبقه بندی اجتماعی اکنون شهرستان مهاباد، می توان به چهار طبقه و منزلت مختلف اجتماعی که کاملاً ملموس و قابل مشاهده هستند اشاره نمود: جامعه اصلی شهری (سابلاغی)، خوانین (آغاوت)، سادات و مردم عادی (کرمانج).

شهری اصیل (سابلاغی)

در شهر مهاباد مانند تمامی شهرهایی که سابقه شهری قابل توجهی دارند، جمعیتی زندگی می کنند که هم خود و هم سایرین، آنان را شهری اصیل یا مهابادی اصیل و اصطلاحاً «سابلاغی» نام برده و این منزلت و جایگاه را برای آنها قایلند. مهابادی های اصیل (سابلاغی ها)، عموماً شامل خانواده یا طایفه هایی است که حداقل چهار یا پنج نسل قبلی آنها در مهاباد ساکن بوده و هیچ گونه ارتباطی اعم از وجود منشا خانوادگی یا فامیل های مخصوصاً نسبی در جای دیگری (البته غیر از مهاجرت از مهاباد به سایر شهرها و روستاها) به جز مهاباد برای آنها وجود نداشته باشد.

نبود اسناد معتبر تاریخی مربوط به سالهای قبل از قرن حاضر، کوچ برخی از ساکنان اصیل

مهابادی از جمله مسیحیان و یهودیان مهابادی، مخصوصاً بعد از جنگ جهانی اول به خارج از سرزمین ایران و نیز ورود موج اول مهاجرت روستائیان بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ به شهر مهاباد و اختلاط جمعیتی آنها با جمعیت شهری، تشخیص اصالت مهابادی (سابلاغی) را تا حدودی با مشکل مواجه نموده است. ولی با این وجود، شخصی که سالهاست در شهر مهاباد زندگی می‌کند تا حدود بسیار زیادی می‌تواند بر اساس نام خانوادگی، محله سکونت، شیوه رفتار، طرز لباس پوشیدن و حتی لهجه صحبت کردن فرد، اصالت یا عدم اصالت «سابلاغی» بودن وی را تشخیص دهد.

خوانین (آغاوت)

این بافت جمعیتی شهرستان از گذشته، جزو عشایر محسوب شده و از ملاکین و زمین داران در نظام ارباب و رعیتی گذشته بوده اند و هنوز هم به پاره ای از آداب و رسوم عشیره ای خود پایبند هستند. «از دیدگاه وضع اجتماعی، کردها عموماً از عشیرت های جدا جدا تشکیل شده اند، عشیرت از دو گروه ترکیب یافته است، گروه اول جنگجویان، این ها سرکردگان (آقاها و ارباب ها) و همچنین صاحبان زمین و دارندگان خدم و حشم هستند. گروه دوم دهقانان (رعایا) می باشند یعنی آنهایی که مستمندند. اما اینان کسانی هستند که به طور متوسط و تقریباً نیمه برده و وابسته به زمین اند» (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۶۰-۵۹). تا قبل از اصلاحات ارضی، قشربندی اجتماعی در روستا را می توان به طور کلی در دو طبقه ارباب و رعیت و نیز قشر مستقل خرده مالک مورد بررسی قرار داد (وئوقی، ۱۳۹۱: ۹۷). خوانین و آغاوت های مکریان و شهرستان مهاباد، درصد قابل توجهی از جمعیت ناحیه را تشکیل داده و با وجود گذشت بیش از نیم قرن از نابودی قانونی نظام ارباب و رعیتی، هنوز این طبقه اجتماعی، شأن و منزلت اجتماعی و تا حدودی قدرت نسبی اقتصادی خود را در بین جامعه مکریان و اقشار مختلف اجتماعی آن حفظ کرده است. خوانین (آغاوت) ناحیه مکریان، شامل عشایر مختلفی از جمله، منگور، دهبکری، گورک، مامش، فیض اله بیگی، زرزا و ... است که در شهرستان مهاباد، سه گروه اول، بیش از ۹۵ درصد از جامعه خوانین آن را تشکیل می دهند.

خوانین منگور

در مورد واژه منگور و وجه تسمیه آن نظر قاطعی وجود نداشته و هر آنچه که جسته و گریخته در مورد آن نوشته شده است اغلب مبتنی بر حدس و گمان و بعضی اوقات تعصب های بی دلیل است. ایل منگور از جمله ایلات مکرری است که در منطقه سردشت، مهاباد و پیرانشهر ساکن هستند. آنان در زمان سلطنت کریم خان زند تحت ریاست «بایر آقا» از عراق به منطقه «ایل تیمور» مهاباد آمده و ساکنان بومی آن را رانده یا تحت تسلط خود در آوردند. اکنون عشیره منگور به شش طایفه تقسیم می شوند که وجه تسمیه هر کدام از این طوایف به یکی از پنج زن

«بایر آقای دوم» و برادر وی «خضر» بر میگردد. اکنون هر عضوی از عشیره منگور خود را متناسب به یکی از این شش طایفه می داند که عبارتند از: ۱. طایفه «شم»: شم همسر بایر آقای دوم از تیره «مرنکنه»ها بوده و مادر سه پسر به نامهای بایز، کاک اله و قرنی بوده است ۲. طایفه «مروت»: مروت هم همسر بایر آقای دوم از تیره «فقه عیسی»ها بوده و دارای سه پسر به نامهای گلاوی، رحمان و عمر بوده است ۳. طایفه «آمان»: اونیز همسر بایر آقای دوم و از طایفه «جاق»ها بوده و چهار پسر به نام های عزیز، محمد، قادر و بایز آورده است ۴. طایفه «زین»: زین هم همسر بایر آقای دوم، از طایفه «گرگه دیی»ها و مادر سه پسر به نامهای حسین، خضر و بابکر بوده است ۵. طایفه «زیرین»: این همسر بایر آقای دوم نیز از طایفه «مامش» بوده و مادر دو پسر به نامهای حمزه و ابراهیم بوده است ۶- طایفه «خضر»: خضر برادر بایر آقای دوم بوده و بازماندگان وی را طایفه خضر (خدر) گویند (قاجار، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۳).

محدوده جغرافیایی ایل منگور در جنوب و جنوب غربی شهرستان مهاباد می باشد. با وجود این، اکثریت آن ها اکنون در شهر ساکن هستند بطوریکه بیش از ۹۵ درصد افراد این ایل که ساکن مهاباد هستند در دو محله جداگانه شهر (کوی ۲۲ بهمن و محله بیمارستان) زندگی می کنند.

خوانین و عشایر دهبکری

ایل و طوایف دهبکری، نام یکی از معتبرترین ایل های ناحیه مکریان است که می توان گفت سرزمین پهناوری از ناحیه مکریان و نیز استان آذربایجان غربی کنونی را در شهرستان های مهاباد، میاندوآب، نقده و بوکان تحت مالکیت داشتند. ایل دهبکری به سرپرستی «بیرم آقا» در اواخر سلطنت نادر شاه افشار در حدود سال ۱۱۵۷ هجری قمری از دیاربکر که اکنون خاک کشور ترکیه است کوچ نموده و به منطقه مکریان آمده اند. این ایل قبل از آمدن به منطقه مهاباد به ایل «قهرمانی» معروف بوده و پس از مدتی از حالت چادرنشینی خارج و روستای «دهبکر» از توابع مهاباد را از مالک وقت آن خریده و از آن به بعد به ایل «دهبکری» اشتها پیدا می کنند. پسران بیرم آقا یعنی رسول آقا، سلیمان آقا و شیخ آقا به مهاباد کنونی (ساوجبلاغ مکر) رفته و ضمن انجام کارهای عاک المنفعه، شروع به خریدن روستاها و املاک ضلع شمالی و شمال شرقی شهرستان مهاباد می کنند (صمدی، ۱۳۸۰: ۶۱-۵۹). یکی از معروفترین روسای ایل دهبکری علی آقای علی یار ملقب به «امیراسعد» بود که در سال ۱۳۳۱ هجری قمری به ریاست ایل برگزیده شد و در زمان وی ایل دهبکری به شدت قدرت یافت. ایل دهبکری در حال حاضر پنج طایفه هستند که هر طایفه هم چندین نام خانوادگی مختلف دارد: ۱. طایفه معروف آقا عبارتند از: علی یار، معروفی، ایلخانی زاده، مهتدی، گلابی، پیروتی و چند تیره دیگر همچون حسامی، رسولی، دموکری و حمیدی ۲. طایفه محمد آقا عبارتند از: محمدی، کریمی، فتاحی،

عزیزی، مظفری، صدیقی، دهبکری، مجرد ۳. طایفه عباس آقا عبارتند از: عباسی، قادری، شهابی و فرید ۴. طایفه سلیمان آقا عبارتند از: قهرمانی، سلیمانی، بایزیدی، احمدی، محمدی، دانشمند و بوبکر ۵. طایفه شیخ آقا عبارتند از: شیخ آقایی، حقیقی.

خوانین و عشایر «گورک»

«گورک» از کلمه کردی «گه وره» به معنی بزرگ تعبیر می‌شود که جمع آن «گه وره کان» یعنی بزرگان بوده که با گذشت زمان به واژه «گورک» تغییر یافته است. بر اساس روایات شفاهی و بنا به روایت بزرگان ایل و نوشته‌های مرحوم «خضر مامندی»، جد بزرگ گورک‌ها در حدود سیصد سال پیش شخصی به نام «رسول بلباس» می‌باشد. این شخص در اثر اختلاف و دشمنی با حکمرانان محلی در کردستان فعلی عراق، ترک دیار کرده و در روستای «شیوه کل» استان سلیمانیه عراق کشته می‌شود. یکی از نوادگان وی بنام «بایزید» همراه شش فرزند خود از طریق مرز سردشت وارد خاک ایران شده و بعد از مدتی زمین‌های مرتع اطراف شهر سردشت را آباد نموده و تبدیل به زمین کشاورزی می‌نمایند (مامندی، ۱۳۹۵: ۹۳-۵۷). ناحیه گورک مکریان در حال حاضر شامل نواحی مهاباد (۲۵ روستا)، بوکان (۲۹ روستا)، سقز (۲۷ روستا) و سردشت (۹۷ روستا) می‌باشد. ناحیه گورک مهاباد در اطراف جاده سردشت - مهاباد و با مرکزیت روستای «سویناس» می‌باشد. عشایر گورک مکریان در سه منطقه سکونت دارند: ۱- گورک مهاباد که شامل پنج طایفه عزیزی، حسنی، محمدی، ابراهیمی و قادری هستند ۲- دهستان «میرده» سقز که به طایفه جوانمردی مشهورند ۳- قسمت سوم در «پاراستان» سردشت و اطراف آن سکونت دارند. تقریباً بیش از نود درصد افراد عشیره «گورک»، امروزه در شهرهای مهاباد، بوکان، سقز و سردشت سکونت دارند. (صمدی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴)

سادات

واژه «سید» در لغت به معنای سرور، مهتر، بزرگ و آقا و آنان که منتسب به اولاد پیامبر اکرم (بواسطه حضرت فاطمه) باشند، است. در میان مسلمانان، سادات از حرمت و احترام ویژه‌ای برخوردارند. هم اکنون اینگونه معمول است که کسانی که سید نامیده می‌شوند نسب‌شان به پیامبر اسلام می‌رسد و در این مورد اکثر سادات شجره نامه دارند. علاوه بر شجره نامه، اشتهاار به سیادت در یک محل (اینکه بگویند پدر وجد این شخص سید بوده اند) نیز می‌تواند دلیلی بر سید بودن شخص در کردستان باشد.

قسمت عمده ای از مرز غربی سرزمین ایران با عراق را مناطق کردنشین تشکیل می‌دهد و فرایند مهاجرت و ورود بخشی از اهل بیت پیامبر به سرزمین ایران از کردستان شروع شده است. برخی از عوامل تاریخی و اجتماعی و مهتر از همه آنها، ارادات و احترام مسلمانان نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) باعث شده است که منزلت قشر سادات در بین سایر افراد جامعه

کردستان همواره وجود داشته باشد و همین امر باعث شده است که قشر سادات برای خود پایگاه و منزلت اجتماعی ویژه ای قابل شوند و حتی در منطقه مکریان، سادات، افراد غیر خود را با اصطلاحات خاصی مانند «امی» خطاب کنند. در منطقه مکریان و شهرستان مهاباد، خانواده های «سادات» فراوانی وجود دارند که در یک طبقه بندی کلی می توان آنها را به «سادات کرده»، «سادات برزنجی»، «سادات کلیجی» و «سادات ماوه لو» تقسیم نمود.

سادات «کرده»

این گروه از سادات به لحاظ فراوانی جمعیت، بیشترین درصد جمعیت سادات شهرستان مهاباد را تشکیل می دهند. منشا سادات «کرده» در مهاباد به خاندان مکرم سادات «پیر خضر شاهی حسینی» یکی از سلسله های بزرگ و نامدار سادات در کردستان ایران بر میگردد که سده هاست در بخش های مختلف کردستان پراکنده اند .

بر اساس شجره نامه معتبر سادات پیر خضر شاهی، سادات پارسانیان (پارسانیان روستایی از توابع شهرستان سقز است) از نوادگان سید قاضی خان پارسانیان و آنها هم از نوادگان سید شکراله پارسانیان مشهور به (که ول زرد= به معنی پوستین زرد رنگ) می باشند . بر اساس منابع و شواهد تاریخی و نیز اقرار و گواهی بزرگان سادات کرده مهاباد، منشا اصلی آنها روستای پارسانیان سقز می باشد که حدوداً نزدیک به کمی بیش از یک قرن پیش، بخشی از آنها به روستاهای اطراف مهاباد (مانند روستاهای خاتون استی، دوسید، گلیار، عین ملا و...) کوچ کرده و با افزایش جمعیت آن ها و نیز مهاجرت بیشتر آنها به شهر مهاباد، اکنون درصد قابل توجهی از جمعیت شهرستان مهاباد، مخصوصاً جمعیت شهری را تشکیل می دهند(برخی از مهم ترین نام های خانوادگی متعلق به این گروه از سادات عبارتند از : منصوری، حسینی ، ازدست، اردست، آکفوده، محمدی، عنایتی، قریشی ، سیدی و...).



شکل (۱) تصویری از چند برگ مربوط به شجره نامه «سادات کرده»

در مورد وجه تسمیه سادات کرده و پسوند «کرده» باید گفت که هنگام کوچ این گروه از سادات به مهاباد و حومه آن، با توجه به لهجه کردی متفاوتی که داشتند و نزدیک به لهجه استان کردستان بوده است، به «سید کرده» یا «سادات کرده» معروف گشته اند.

سادات «برزنجی»: خاندان محبوب و معزز سادات برزنجی یکی از خاندان های برجسته و مشهور کردستان است که از قدیم الایام در میان کردهای ایران و عراق از اعتبار و منزلت فراوانی برخوردارند. بر اساس متون تاریخی و شجره نامه معتبر و موثق، رشته نسبی این خاندان به امامزاده اسماعیل محدث فرزند گرامی امام موسی بن جعفر(ع) ختم می گردد. امامزاده اسماعیل در سال ۱۶۲ هجری قمری در بغداد ولادت یافته است. جمعی از مورخین معتقدند که این امام زاده در راه بازگشت از خراسان به بغداد، در روستای «آسپرین» از توابع بخش شرقی منطقه اورامان واقع در کردستان ایران وفات یافته و همانجا مدفون گردیده است. هم اکنون نیز مرقد ایشان در همان روستا، مطاف عموم اهالی این نواحی است (مدرس، ۱۹۹۵: ۲۵۷). نسب سادات برزنجی از طریق سید عیسی نوربخشی بن بابا علی همدانی بن سید عبدالله بن سید اسماعیل به امام موسی کاظم می رسد. بر اساس روایت موجود در شجره نامه سادات برزنجی، سید عیسی و برادرش سید موسی نوربخشی پس از فوت پدر جهت انجام فرضیه حج راهی حجاز شده و در راه برگشت و عبور از کردستان به روستای «برزنج» واقع در استان سلیمانیه عراق کنونی می رسند و در همانجا ماندگار می شوند. طبق شجره نامه موثق، شیخ موسی اولادی نداشته و شیخ عیسی جد سادات برزنجی امروز کردستان می باشد. سادات برزنجی مهاباد و مکریان عموماً پسوند «برزنجی» یا «برزنج» را در نام خانوادگی خود دارند.

از دیگر انواع سادات مشهور شهرستان مهاباد می توان به سادات «کلیجی» و «ماوه لو» اشاره کرد که هر دو از سادات حسینی بوده و طبق گفته برخی از آنها، سلسله نسبت شان به امام سجاد زین العابدین می رسد. وجه تسمیه آنها نیز با اسم روستای «کلیجه» از توابع مهاباد و «ماوه لو»، از توابع سردشت مرتبط است.

از خصوصیات بارز و مشهور فرهنگی سادات در کردستان و من جمله در مهاباد می توان به پوشش منحصر به فرد زنان و مردان این گروه، از جمله بستن شال و کمربندی سبز رنگ همراه با لباس کردی اشاره نمود. سادات معمولاً ازدواج های درون گروهی داشته و ازدواج برون گروهی تا حدود زیادی (مخصوصاً در بین بزرگان و ریش سفیدان آنها) امری قبیح شمرده می شود.

مردم عادی (کرمانج): قشر وسیعی از جمعیت کردستان مکریان کسانی هستند که از لحاظ نسبی و سببی خود را به هیچ یک از طبقات خوانین (آغاوات)، سادات و طبقه شهری اصیل (سابلاغی)، منتسب نمی دانند و در یک کلام، فارغ از قید طایفه و عشیره هستند. با توجه به وسعت جمعیتی و مکانی، افراد این طبقه هم در روستاها و هم در شهرهای

مکریان زندگی می‌کنند. یکی از نکاتی که در توصیف این قشر خاص اجتماعی بسیار مهم است این است که خاستگاه اصلی این قشر از جامعه (صرفنظر از اینکه اکنون ساکن شهر یا روستا هستند)، روستاهای مکریان است. قبل از اصلاحات ارضی، جامعه روستایی ایران به طور کلی شامل دو طبقه ارباب و رعیت (اعم از صاحب نسق و خوش نشین) بود. درصد بسیار کمی از رعایا، قبل از اصلاحات ارضی و بخش عمده ای از آنها در طول سالهای اولیه بعد از اصلاحات ارضی (موج اول مهاجرت روستاییان به شهرها) و مخصوصا بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (موج دوم مهاجرت)، به شهرها مهاجرت نموده و اکثر آنها در حواشی شهرها ساکن شدند؛ بخش قابل توجهی از آنها نیز همچنان در روستاهای اولیه خود ماندگار هستند. این طبقه خاص از جامعه مکریان را عامه مردم یا «کرمانج» می‌گویند.

درباره وجه تسمیه واژه «کرمانج» باید گفت که این واژه در اصل مربوط به یکی از لهجه های اصلی زبان کردی است که کردهای ترکیه، سوریه و بخشی از کردهای عراق و ایران (کردهای ارومیه و شمال استان آذربایجان غربی) بدان صحبت می‌کنند. ولی در مکریان و مخصوصا شهرستان مهاباد به عنوان واژه ای منفی برای افراد روستایی، غیرسادات، غیرسابلاغی و غیر خوانین بکار می‌رود که بیانگر وجه منفی و نشاندهنده منزلت پایین اجتماعی است. احمد بحری، محقق و نویسنده در زمینه آداب، رسوم و فولکلور کردی، این واژه را مطالعه و ریشه یابی کرده و ادعا می‌کند که؛ زمانی که ایل دهبکری از ترکیه امروزی وارد نواحی مکریان شده و یکجانشین شدند، به همراه آنها، برخی از خانواده های فقیر و بینوا نیز وارد مکریان شدند که بعد از یکجانشینی ایل، مشغول به خدمتگذاری دهبکری ها شدند. مجموعه ایل دهبکری این خدمتکاران خود را «کرمانج» می‌گفتند. بعدها استعمال این واژه گسترش پیدا کرد و در تمامی نواحی مهاباد و نیز مکریان، این واژه معادل دهاتی، خدمتکار، غیرشهری، غیر خان و حتی غیر سید، استفاده می‌شود (بحری، ۱۳۹۳: ۲۵).

قشر کرمانج روستایی در مکریان، غالبا مشغول کشاورزی بوده وشامل کشاورزان بدون زمین مزروعی (مانند کارگران روستایی، دامداران خرده پا و ...)، کشاورزان ضعیف، متوسط و مرفه می‌باشد که نشانگر نوعی درجه بندی و سلسله مراتب درون قشری می‌باشد. جمعیت کرمانج شهری نیز شامل آن دسته از مهاجرین روستایی است که عموما بعد از اصلاحات ارضی و در طول نیم قرن اخیر به شهرها (مخصوصا حاشیه شهر) مهاجرت نموده و شامل برخی طبقات شغلی مانند بازاریان (اعم از پارچه فروشان، مغازه داران، بنگاه داران و ...)، کارگران، استادکاران و تعمیرکاران، برخی از کارمندان و ... می‌باشند.

جمع بندی و نتیجه گیری تحلیل تاریخی تحقیق

جامعه مکریان کردستان ایران، چنانچه اشاره شد، شامل چند طبقه مختلف اجتماعی است که عبارتند از: خوانین، سادات، جمعیت اصیل شهری (سابلاغی ها) و نیز عامه مردم (کرمانج ها). بر اساس مطالعات و نتایج تحقیق حاضر مشاهده میشود که در هر کدام از این طبقات و منزلت های مختلف اجتماعی مربوط به جامعه مکریان، اصل و نسب که عبارت از نام خانوادگی، زمینه خانوادگی، قومی، نژادی و نیز طول مدت اقامت در یک محل خاص است، معیار اصلی گروه بندی و طبقه بندی اجتماعی می باشد. این معیار مخصوصا در طبقه سادات و خوانین به عنوان عامل اصلی تمایز و طبقه بندی محسوب می گردد و همین امر باعث شده است که طبقات مختلف اجتماعی در مکریان تمایل شدیدی به ازدواج درون گروهی و درون طبقه ای از خود نشان دهند.

ثروت به عنوان یک عامل مهم قشربندی اجتماعی در جامعه مکریان نیز می تواند مشخصه یک طبقه اجتماعی باشد (به نحوی که اکثر خوانین و جمعیت اصیل شهری به عنوان افراد دارای تمکن مالی و پولدار شناخته می شوند)، ولی معیار ورود به این طبقات شناخته نمی شود؛ کما اینکه نمونه های زیادی از افراد پولدار در قشر سادات یا عامه مردم (کرمانج) وجود دارند ولی به ندرت شخصی از طبقه خوانین یا سابلاغی ها حاضر به ازدواج با آنهاست. هرچند در صورت ازدواج فردی با فردی از طبقات بالاتر، امکان تحرک صعودی برای خود وی (و نه فرزندان) وجود ندارد.

امکان تحرک اجتماعی، تقریباً در بین هیچ کدام از طبقات چهارگانه موجود وجود ندارد. چرا که اصولاً تغییر اصل و نسب غیرممکن بوده و نیازمند مدت زمان طولانی و تغییر در چندین نسل می باشد. با این وجود، تغییرات و تحرک درون طبقه ای و امکان ارتقا و تنزل در درون هر کدام از این طبقات، ممکن بوده و نیازمند کسب معیارهای مختلفی از جمله پول، تحصیلات، شغل، قدرت سیاسی و ... است.

با مقایسه نظام قشربندی اجتماعی جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر (کردستان مکریان) با نظام های قشربندی در جهان، مشاهده میشود که تقریباً همه خصوصیات قشربندی جوامع کمتر توسعه یافته در آن یافت می شود. نظام قشربندی اجتماعی در مکریان، نظامی تقریباً بسته است که مرزهای طبقاتی کاملاً مشهود و آشکار است به نحوی که شکاف بین «خوانین»، «کرمانج ها»، «سادات» و «سابلاغی ها» در جامعه همچنان پابرجاست. پایگاه اکتسابی چندین جایگاه درستی نداشته و در تعیین جایگاه اجتماعی افراد برتری با پایگاه انتسابی است؛ به عبارتی عوامل قومی و خانوادگی و نیز نژاد و محل سکونت بر شایسته سالاری ارجحیت دارد و این مهمترین عامل در تبیین عدم وجود تحرک اجتماعی در جامعه مکریان است.

ب) تحلیل کمی (ابعاد ارزش های اجتماعی)

این بخش از تحقیق از دو قسمت تشکیل شده است در قسمت اول، ویژگی های جمعیت شناختی افراد به تفکیک گروه‌ها و طبقات چهارگانه مطالعه شده در بخش تحلیل تاریخی (شهری اصیل، خوانین، سادات، مردم عادی) آورده شده است و در قسمت دوم به مقایسه شاخص های مختلف ارزش های اجتماعی شوارتز در بین گروه‌های چهارگانه پرداخته شده است.

متغیرهای جمعیت شناختی

نتایج مربوط به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی نشان می دهند که میانگین سنی گروه‌های مورد مطالعه تقریباً نزدیک به هم بوده و در بین آنها میانگین سنی گروه خوانین نسبتاً بیشتر از سه گروه دیگر است. همچنین در همه گروه‌ها، ترکیب جنسیتی به گونه ای است که تعداد مردان مورد مطالعه بیشتر از زنان است و این اختلاف، به دلیل دسترسی راحت تر به نمونه های مرد، مخصوصاً در بین گروه‌های سادات و خوانین می باشد. مشاهده می شود که نزدیک به ۹۰ درصد از پاسخگویان، متاهل هستند که با توجه به خصوصیات سنی پاسخگویان (افراد بالای ۲۰ سال)، طبیعی می باشد.

جدول شماره (۲): ویژگی های جمعیت شناختی به تفکیک گروه‌های چهارگانه

گروه ها و طبقات اجتماعی					
مردم عادی (کرمانج)	خوانین (آغاوت)	شهری اصیل (سابلاغی)	سادات	تعداد	
۹۴	۹۲	۸۱	۸۹	میانگین انحراف استاندارد	سن
۳۴/۸۷	۳۷/۲۶	۳۳/۶۰	۳۳/۹۸		
۷/۵۵۵	۸/۱۰۲	۷/۹۵۷	۸/۶۳۰	مرد زن	جنسیت
۴۹	۵۲	۴۱	۵۰		
۴۵	۴۰	۴۰	۳۹	متاهل مجرد	وضعیت تاهل
۸۸	۸۵	۷۲	۷۰		
۶	۷	۹	۱۹	دبیرستان دیپلم فوق دیپلم لیسانس فوق لیسانس و بالتر	میزان تحصیلات
۱۰	۱۱	۱۲	۱۵		
۲۱	۳۶	۲۳	۳۷		
۱۸	۲۲	۱۹	۱۰		
۴۱	۱۹	۲۲	۲۴		
۴	۴	۵	۳		

نتایج استنباطی تحقیق

با مروری بر جدول نتایج استنباطی تحقیق (جدول شماره ۳)، مشاهده می شود که در بین چهار گروه مورد مطالعه (سادات/مردم عادی/خوانین/شهری اصیل)، غیر از شاخص «استقلال»، سایر شاخص ها واجد اختلاف معنی دار آماری هستند. نتایج مقایسه زوجی گروه ها نشان می دهد که دو گروه (خوانین/شهری اصیل)، غیر از متغیرهای استقلال، برانگیختگی، همنوایی و خیرخواهی، در سایر ابعاد دارای اختلاف معنی دار هستند و اختلاف گروههای (خوانین/سادات) در مورد شاخص های لذت گرایی، موفقیت، قدرت گرایی و جهان گرایی است. همچنین گروه زوجی (خوانین/مردم عادی) در رابطه با متغیرهای برانگیختگی، لذت گرایی، موفقیت، قدرت گرایی و جهان گرایی دارای اختلاف معنی دار هستند. گروه های (شهری اصیل/سادات) نیز غیر از متغیرهای استقلال، برانگیختگی، همنوایی، وجهه و خیرخواهی، در سایر زمینه ها دارای اختلاف معنی دار آماری هستند. همچنین دو گروه (شهری اصیل/مردم عادی)، فقط در رابطه با متغیرهای استقلال، موفقیت، وجهه و امنیت گرایی دارای اختلاف معنی دار نیستند و گروه زوجی (سادات/مردم عادی)، از حیث متغیرهای برانگیختگی، قدرت گرایی و امنیت گرایی حایز اختلاف معنی دار آماری هستند.

جدول شماره (۳): خلاصه نتایج مربوط به آزمون مقایسه میانگین گروه های مستقل (تحلیل واریانس یکراهه)

و مقایسه زوجی آنها

مقایسه زوجی گروهها (طبقات)		سطح معنی داری	۰/۰۱۱
		درجه آزادی	۳
		F	۲/۰۱۹
		میانگین	۲۲/۱۷۹۸
		گروه ها	سادات
		بعد ارزشی	شهری
		شاخص	خوابین
تعداد نمونه=۳۵۶ سادات=۸۹ شهری اصیل=۸۱ خوابین=۹۲ مردم عادی=۹۴		استقلال	۲۲/۲۵۰۰
		مردم عادی	۲۲/۱۰۶۴
		خوابین	۲۲/۰۷۴۱
		شهری	۲۲/۰۷۴۱
		سادات	۲۲/۱۷۹۸
		مردم عادی	۲۲/۱۷۹۸
		شهری اصیل-مردم عادی	۲۲/۱۷۹۸
تعداد نمونه=۳۵۶ سادات=۸۹ شهری اصیل=۸۱ خوابین=۹۲ مردم عادی=۹۴		خوابین - شهری اصیل	۲۲/۱۷۹۸
		سادات - خوابین	۲۲/۱۷۹۸
		مردم عادی - سادات	۲۲/۱۷۹۸
		شهری اصیل - مردم عادی	۲۲/۱۷۹۸
		شهری اصیل - مردم عادی	۲۲/۱۷۹۸
		شهری اصیل - مردم عادی	۲۲/۱۷۹۸
		شهری اصیل - مردم عادی	۲۲/۱۷۹۸

توجه به خود											
برآیند پیش‌بینی						لذت گرایی					
						موفقیت					
						قدرت گرایی					
سادات	شه‌ری	خوانین	مردم عادی	سادات	شه‌ری	خوانین	مردم عادی	سادات	شه‌ری	خوانین	مردم عادی
۸/۴۵/۸۴	۷/۶۴/۸۰	۷/۴۶/۸۴	۳/۸۳/۸۰	۸/۳۷۰/۸۰	۱۰/۳۹/۸۳	۱۱/۲۵/۸۰	۸/۴۲/۸۷	۸/۳۶/۸۴	۹/۳۳/۸۳	۱۱/۵۴/۸۰	۹/۷۰/۸۰
۳۸۸۷۷۸						۴۳/۸۲/۵۰					
۳						۳					
۰/۰۰۰۰						۰/۰۰۰۰					
تفاوت میانگین			سطح معنی داری			تفاوت میانگین			سطح معنی داری		
۵۴۶۱/۰	۱۸۱/۰	۱۰۵۵/۰	۱۵۵۵/۱-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۳۷۹۸/۱-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۶۵۹۸/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۳۱۹۸/۰	۱۵۰/۰	۱۰۵۵/۰	۱۹۹۸/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۳۸۹۸/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱۹۹۸/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۵۵۳۱/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۵۸۳۵/۰-۱۰۵۵/۱	۷۹۹/۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۳۱۹/۰	۳۱۹/۰	۳۱۹/۰-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۷۵۳۸/۰	۵۳/۰	۰/۰۰۰۰	۸۸۵۹/۰-۱۰۵۵/۱	۸۱۰/۰	۰/۰۰۰۰	۶۶۰۶/۱-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱۵۹۸/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۱۳۸/۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۶۸۰۸/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۳۸۹۸/۰	۷۸۸/۰	۰/۰۰۰۰	۶۸۸/۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۶۵۵۹/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۸۳۶۷/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۳۸۹۸/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۸۸۸/۳-۱۰۵۵/۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

محافظة كاري																
وجهه				امنيت گرايي				همنوايي				سنت گرايي				
سادات		شهري	خوانين	مردم عادي	سادات		شهري	خوانين	مردم عادي	سادات		شهري	خوانين	مردم عادي	سادات	شهري
۱۲/۷۳۰۳	۱۲	۸۲۶/۰	۱۲/۷۷۸/۱	۱۲/۲۴۴/۷	۱۹/۱۷۸/۱	۲۱/۵۱۸/۵	۸۷۰/۱۰۸/۰	۲۰/۷۹۱/۵	۲۰/۱۵۷/۳	۲۱	۷۸۱/۶۰	۳۷۸/۳	۱۹/۶۳/۹	۷۳۰/۳	۱۴	۱۲/۳۹/۵
۲/۳۳۸				۶/۷۸۹				۶/۳۹۶				۱۹/۶۷۱				
۳				۳				۳				۳				
۰/۰۱۳/۰				۰/۰۰۰/۰				۰/۰۰۰/۰				۰/۰۰۰/۰				
تفاوت ميانگين				تفاوت ميانگين				تفاوت ميانگين				تفاوت ميانگين				
سطح معني داري				سطح معني داري				سطح معني داري				تفاوت ميانگين				
۰/۰۵/۰				۳۶۷۸۸/۲				۰/۰۰۰/۰				۵۸۷۵۰/۱				
۰/۱۳/۰				۳۶۷۸۶/۰				۷۸۸/۰				۶۵۰/۰				
۶۶۵۷۳/۰				۱۸۱۱۵/۱				۶۱۰/۰				۱۱۶۷۸/۰				
۰/۸۳۳/۰				۳۸۰/۰				۱۳۰/۰				۵۸۸۸۸/۱				
۶۶۵۶۸/۰				۱۵۷/۰				۵۶۸/۰				۶۵۶۳۸/۲				
۰/۰۸۵/۰				۶۸۷۸/۰				۰/۲۶۱/۰				۷۱۰۱۰/۱				

جمع بندی و تفسیر نتایج کمی تحقیق

متغیر برانگیختگی عبارت از قبول خطرات و چالش‌ها و کسب تجربیات جدید در زندگی است. با توجه به اینکه قشر مردم عادی (کرم‌انج)، نسبت به سه گروه دیگر، از جهات مختلف،

پایگاه و منزلت اجتماعی کمتری دارد، لذا جهت جبران کمبودهای اجتماعی و اقتصادی و با هدف تحرک اجتماعی صعودی، انگیزه بیشتری داشته و مخاطرات رسیدن به این هدف را بیشتر و بهتر قبول میکند. یافته‌های تحقیق نیز بیانگر همین مطلب بوده و انگیزش مردم عادی با سه گروه دیگر، اختلاف معنی دار داشته و بیشتر است.

تقریباً همه گروه‌های مقایسه زوجی غیر از گروه مقایسه ای (مردم عادی/سادات)، از نظر متغیر «لذت گرایی» که بیانگر زندگی خوشایند و لذت بردن حداکثری از زندگی است، با همدیگر اختلاف معنی دار آماری دارند. در این میان گروه‌های سادات و مردم عادی (کرمانج)، نسبت به دو گروه شهری اصیل و خوانین (آغاوت) تمایل کمتری به لذت گرایی دارند و این نتیجه با توجه به تمایلات نسبی و اعتقادات مذهبی مردم عادی و مخصوصاً سادات، دور از انتظار نیست.

در تحقیق حاضر، منظور از متغیر «موفقیت»، جاه طلبی و تمایل به توفیق است. نتایج، بیشترین میزان این شاخص را در قشر خوانین نشان می‌دهد که با سه قشر بقیه اختلاف معنی دار آماری دارد؛ این نتیجه با توجه به سوابق اجتماعی و خوی و منش اربابی این قشر خاص، طبیعی به نظر می‌رسد. همچنین متغیر «قدرت» تنها متغیری است که اختلاف میزان آن در همه گروه‌های مقایسه زوجی معنی دار است. این متغیر بیانگر تمایل به اقتدار و امر و نهی کردن است. بیشترین تمایل به این متغیر را به ترتیب در قشرهای خوانین، شهری اصیل، مردم عادی و سادات میتوان مشاهده کرد. منظور از شاخص «وجهه» در این پژوهش، نیکنامی و عدم تحقیر و شرمندگی توسط دیگران است و نتایج پژوهش نیز عدم تفاوت گروه‌های مختلف غیر از دو گروه (شهری اصیل/خوانین) را نشان میدهد.

طبق نتایج تحقیق تمایل به سالم ماندن در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی (شاخص امنیت)، در بین گروه شهری اصیل از سایر گروه‌ها بیشتر بوده و با گروه‌های خوانین و سادات اختلاف معنی دار دارد. این نتیجه، ویژگی محافظه کارانه افراد گروه شهری اصیل (سابلاغی) را نمایان می‌سازد. متغیر همنوایی، بیانگر میزان پیروی از مقررات و خویشتن داری فرد است. اختلاف میزان همنوایی در بین دو گروه زوجی (شهری اصیل/مردم عادی) و (شهری اصیل/سادات)، معنی دار است و نشان دهنده سازگاری بیشتر گروه شهری اصیل است. این نتیجه را میتوان همخوان با نتیجه شاخص امنیت دانست که بیانگر شدت میزان محافظه کاری در قشر شهری اصیل است.

اعتقاد و احترام به رسوم خانوادگی، ارزش‌ها و باورهای سنتی و مذهبی در بین افرادی که خصوصیات جوامع عشیره‌ای و غیر شهری را دارند، بیشتر است؛ نتایج تحقیق، خصوصیات شاخص «سنت» را به میزان نسبتاً کمی در گروه شهری نشان می‌دهد که با سه گروه دیگر (خوانین، سادات و مردم عادی)، تفاوت معنی دار آماری دارد. متغیر خیرخواهی نشان دهنده میزان

احساس مسوولیت و کمک به نزدیکان می باشد که این خصوصیت در بین گروه‌های مردم عادی و شهری اصیل به صورت معنی داری متفاوت است.

شاخص «عامگرایی»، بیانگر اهمیت دادن به رفاه و سلامتی عموم مردم، پذیرش، تحمل و نیز ارزش‌های محیط زیستی است. میزان اختلاف گروه‌های زوجی این شاخص غیر از گروه (مردم عادی/سادات)، در بقیه گروه‌های مقایسه زوجی معنی دار بوده و مقدار این شاخص در گروه شهری اصیل از همه گروه‌ها بیشتر و در گروه خوانین از بقیه گروه‌ها کمتر است. با توجه به وجود خصوصیات شهرنشینی و مدنیت بیشتر این قشر، وجود و اهمیت بیشتر ارزش‌های فرامادی گرایانه‌ای مانند دفاع از طبیعت و رفاه عمومی، منطقی به نظر می‌رسد.

در کل نتایج تحقیق حاضر، همسو با کارهای پژوهشگران قبلی از جمله جواهری، قاسمی، لهسایی زاده و ملکی و نیز تایید کننده نظریات اینگلهارت و بوردیو در زمینه ارتباط بین قشرها و ارزش‌های اجتماعی است.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.
۲. آبراهامیان، پروانه. (۱۳۷۹). مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، نشر شیراز، تهران.
۳. بارنز و بکر. (۱۳۷۰). تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۴. بحری، احمد. (۱۳۹۳). «کره کرمانج»، ماهنامه اجتماعی، فرهنگی و ادبی مهاباد، سال چهاردهم، شماره ۱۶۶.
۵. تاملین، ملوین. (۱۳۸۵). جامعه شناسی و قشر بندی و نابرابری های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات توتیا، تهران.
۶. جواهری، فاطمه. (۱۳۸۶). «بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر گرایش ها و رفتار آنان»، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۶.
۷. خضری، سعید. (۱۳۸۸). «جغرافیای تاریخی مکریان در چهار سده اخیر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بهار ۱۳۸۸، شماره ۹۲.
۸. خلیفه، عبدالطیف محمد. (۱۳۷۸). بررسی روان شناختی تحول ارزشها، ترجمه سید حسین سیدی، انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. ربانی، رسول و ابراهیم انصاری. (۱۳۸۵). جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها (سمت).
۱۰. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش های اجتماعی، انتشارات گروس، تهران.
۱۱. ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۲. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). دایره المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ سوم.
۱۳. سیدمن، استیون. (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران: چاپ دوم.
۱۴. صمدی، سید محمد. (۱۳۷۳). تاریخ مهاباد، انتشارات رهرو، مهاباد.
۱۵. صمدی، سید محمد. (۱۳۸۰). طوایف و عشایر کرد، سندی جالب از روزگار ناصرالدین شاه قاجار، انتشارات رهرو، مهاباد.

۱۶. قاجار، نادر میرزا. (۱۳۸۹). قیام شیخ عبیداله نه‌ری و حمزه آقای منگور: قسمتی از کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ترجمه کردی: محمد امین بیژنی، انتشارات هیوا، مهاباد.
۱۷. قاسمی، وحید و رضا صمیم. (۱۳۸۷). «مطالعه ای پیرامون رابطه قشر بندی و مصرف فرهنگی با استفاده از داده هایی در زمینه مصرف موسیقایی در شهر تهران»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۱۸. قاسمی، وحید و دیگران. (۱۳۸۹). «شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان»، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره اول، بهار ۱۳۸۹ (پیاپی ۳۷).
۱۹. کوئن، بروس. (۱۳۸۸). درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، چاپ هفتم.
۲۰. غرب، ادوارد ج. (۱۳۷۹). نابرابری اجتماعی: دیدگاههای نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، مترجمان محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی زاد، تهران: نشر معاصر.
۲۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران.
۲۲. لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان»، نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۴۲-۱۱.
۲۳. لهسایی زاده، عبدالعلی و همکاران. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر پایبندی به ارزشهای دینی؛ مطالعه موردی: دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول.
۲۴. مامندی، سعید. (۱۳۹۵). ایل گورک: تاریخ و گستره ایل گورک در ایران، انتشارات هیوا، مهاباد.
۲۵. مدرس، عبدالکریم. (۱۹۹۵). بنه ماله ی زانیاران (کردی)، نشر مطبعه اشفیک، بغداد.
۲۶. ملک، حسن. (۱۳۸۲). جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۷. ملکی، امیر. (۱۳۷۵). «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده با گرایشهای ارزشی نوجوانان - دانش آموزان ذکور سال سوم ریاضی فیزیک و تجربی تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۴-۵»، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۷۸). کرد، تاریخ، زبان و فرهنگ، ترجمه محمد رفوف یوسفی نژاد، نشر سهیل، تهران.
۲۹. وثوقی، منصور. (۱۳۹۱). جامعه شناسی روستایی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ پانزدهم.
۳۰. هالبواکس، موریس. (۱۳۶۹). طرح روان شناسی طبقات اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

31. Crompton, Rosemary. (1993). Class and stratification. Polity press, London.
32. Davis, Kingsley & Wilbert E. Moor. (1945). " Some principles of

- stratification", in, R . Bendix and S . M . Lipset , Class , Status and Power, London: Routledge & Kegan Paul Ltd.
33. Dehghani, Marzieh and etall. (2011). "The role of students socio-cultural and individual factors in their value attitudes", Procedia -social and behavioral sciences, Vol.15.
 34. Grusky .D.B.(2001) . " social stratification ", International Encyclopedia of social & ehavioral Sciences , P.P (1444-14452).
 35. Schwartz, S.H .(1992). "Universal in the content and structure of values: theoretical advances and empirical test in 20 countries", Advances in experimental social psychology, N .23, p: 1-65.
 36. Kilbourne, William and etall. (2005). "A cross-cultural examination of the relationship between materialism and individual values", Journal of economic psychology, Vol.26,issue 5.
 37. Hornby , A . S. (2005). "Oxford advanced learner dictionary of current English" , Sally Wheezier Oxford university press.

